



# سلوک سیاسی اجتماعی مبلغان

شناخت و تحلیل سیاسی

۲۰

رحیم کارگر

ریشه دوانده است. امروزه دیگر این عقیده عامیانه که «سیاست فقط کار سیاستمداران است» مصداق ندارد؛ زیرا فراگیر شدن عرصه سیاسی در قالب مشارکت توده‌های مردم و تعامل ملت‌ها و دولت‌ها و... نشانگر حضور طیف وسیعی از افراد جامعه در این عرصه بوده است و می‌طلبد که عموم مردم از دانش و بینش درست سیاسی برخوردار باشند. آنان سؤالات و شبهات خود را از افراد مورد اعتماد (علما و مبلغان) می‌پرسند و در مسائل و پدیده‌های سیاسی و تصمیم‌گیری از آنان یاری می‌جویند.

یکی از پیچیده‌ترین و پرجاذبه‌ترین مباحث علوم انسانی، شناخت، درک و تحلیل موضوعات و پدیده‌های سیاسی است. امروزه مسائل و مباحث سیاسی، از تنوع، پیچیدگی، گستردگی، در هم تنیدگی و اهمیت ویژه‌ای برخوردار و بیش‌از خاص برای فهم و تفسیر آنها نیاز است.

موضوعات و مسائل سیاسی، پیوند و ارتباطی ژرف، ناگسستنی و نظام‌مند با امور فرهنگی، معرفتی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... دارد و «سیاست» در تار و پود زندگی بشری

- بارها این سؤالات و شبهات از تک تک مبلغان و طلاب پرسیده شده است که:
۱. آیا روحانیت در حکومت دینی، دارای نقش مؤثر یا طبقه ممتاز است؟
  ۲. رابطه نهاد روحانیت با دولت و حکومت دینی چگونه است؟
  ۳. نقش تبلیغی - معنوی روحانیت چگونه با قدرت سیاسی سازگاری دارد؟
  ۴. آیا حکومت دینی، جوابگوی نیازهای متغیر و احتیاجات انسان معاصر است؟
  ۵. آیا با نظام ولایت فقیه در ایران، درست همکاری شده است؟
  ۶. چه مقدار از مشکلات و معضلات کشور مربوط به نهاد روحانیت است؟
  ۷. آیا مدیریت فقهی می تواند کارآمد باشد؟
  ۸. جایگاه مردم در نظام سیاسی اسلام چگونه است؟
  ۹. آیا مردم سالاری دینی، واژه متناقض نما نیست؟
۱۰. آیا در نظام ولایی می توان به عنوان اپوزیسیون عمل نمود؟
  ۱۱. چرا برخی از نمایندگان و مطبوعات با غوغا سالاری اهداف خود را پیش می برند؟
  ۱۲. در حکومت اسلامی قلمرو مخالفت و حد و حدود خط قرمز کجا است؟
  ۱۳. مسئولیت مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر عهده چه کسانی است؟
  ۱۴. حدود آزادیهای سیاسی در اسلام چیست؟
  ۱۵. اهداف آمریکا از حمله به کشورهای منطقه کدام است؟
  ۱۶. و....
- در این میان بایستگی فهم و درک صحیح پدیده های سیاسی و آشنایی نسبی با مسائل اساسی روز، برای مبلغان و سنگربانان عرصه علم و ایمان، دو چندان است. آنان باید از آنچه در زندگی سیاسی جامعه می گذرد، آگاه باشند و بتوانند تصویر و تفسیر درستی از پدیده ها و وقایع داخلی و خارجی داشته باشند و ضمن

واقعی از حوادث و وقایع و پدیده‌های سیاسی؛

۲. بالا بردن دانش سیاسی خود با مطالعه و تأمل در اخبار و گزارشها؛

۳. جسلوگیری از القاءات و تفسیرهای غلط و نادرست؛

۴. پاسخ‌گویی به سؤالات، ابهامات و شبهات مطرح شده؛

۵. تشریح دقیق وظایف و مسئولیتهای کارگزاران نظام دینی و نقش مردم در رفع یا بروز مشکلات با انتخاب افراد صالح یا ناصالح؛

۶. ارائه خط مشی و راهکارهای مناسب برای موضع‌گیری و اخذ تصمیمات سیاسی از سوی مردم؛

۷. توضیح و تفسیر وقایع؛ نه توجه عملکرد غلط مسئولان؛

۸. بازشناسی دقیق افکار و جریانات منحرف سیاسی در جامعه و راههای نفوذ آنان (جریان‌شناسی سیاسی)؛

۹. کمک به تبیین ارکان نظام دینی و راههای کارآمدی آن؛

اینکه پاسخ‌گوی سؤالات و خواسته‌های مردم هستند، بتوانند در فعالیتهای تبلیغی خود - به خصوص در رابطه با مسائل سیاسی - بهترین، درست‌ترین و بایسته‌ترین راهکارها و خط مشیها را اتخاذ نمایند.

استاد شهید مرتضی مطهری علیه السلام درباره این وظیفه مبلغان می‌گوید: «تنها دانستن و شناختن دین برای مصلحت‌گویی کافی نیست. جامعه را باید بشناسد، به اوضاع دنیا باید آگاه باشد. باید بفهمد که در دنیا چه می‌گذرد و امروز مصلحت جامعه اسلامی در برابر جریانهای موجود دنیا چه اقتضا می‌کند و مردم را به آن جریانها و مصالح واقعی آنها آگاه بکند.»<sup>۱</sup>

حتی خطیب نماز جمعه و وظیفه دارد مردم را نسبت به مسائل روز و اوضاع سیاسی داخل و خارج آگاه نماید و صلاح و مصلحت آنان را باز گوید.<sup>۲</sup>

آنچه در این زمینه برای مبلغان دینی بایسته است، عبارت است از:

۱. شناخت و تحلیل درست و

۱. ده گفتار، ص ۲۶۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۹.

در ابعاد متفاوت برای رسیدن به پاسخ و نتیجه مطلوب»<sup>۱</sup>.

به طور کلی «تحلیل سیاسی» عبارت است از تلاش برای توصیف (پاسخ به چستی‌ها) و سپس تبیین (پاسخ به چرایی و چگونگی)، که طی آن، به کشف علل وقوع پدیده‌های سیاسی می‌پردازیم.<sup>۲</sup>

هر روز در جامعه با پرسشهایی مواجه می‌شویم که نیاز به تحلیل (توصیف و تبیین) دارند و ما به دنبال پاسخ‌گویی به چرایی و چگونگی آنها هستیم و یا با ده‌ها گزاره سیاسی بر خورد می‌کنیم که نیاز به فهم آنها و تأیید و ردّشان داریم و یا می‌خواهیم با کمک ابزار و دستگاههای استنباطی، تصاویر کلی پدیده‌ها را به دست آوریم و تفسیرهای سیاسی، اطلاعاتی، فرهنگی، اجتماعی و... ارائه دهیم.

در همه این موارد، نیاز به دقت، مطالعه، گردآوری اطلاعات، ژرف‌نگری و تفکر و در نهایت تحلیل و تفسیر درست پدیده‌ها و وقایع

۱۰. ارائه اخبار و گزارشهای صحیح و جلوگیری از ترویج شایعات، تهمت‌زنیها و دروغ‌پراکنیها؛  
۱۱. دشمن‌شناسی و آشنایی با توطئه‌ها و برنامه‌های تبلیغی - سیاسی آنان علیه نظام دینی.

### تحلیل و تفسیر سیاسی

یکی از مباحث مهم «دانش سیاسی»، شناخت و تحلیل و تفسیر سیاسی از پدیده‌ها و مسائل روز است که نیاز به دقت و ژرف‌نگری ویژه‌ای دارد. در نظر توده‌های مردمی، سیاست در عین ابهام و پیچیدگی بسیار ساده است! و هر کس، تنها به دلیل آنکه اندک مایه‌ای از اخبار و اطلاعات را داراست، خود را تحلیل‌گر مسائل سیاسی دانسته و یا با اندک خمیرمایه‌ای از هوش تلیفیک شده با نیرنگ و خدعه، سیاستمدار خوانده می‌شود؟!<sup>۳</sup>

این انگاره درست نیست و در این راستا باید به بیان دقیق «تحلیل سیاسی» و «تفسیر سیاسی» اهتمام ورزید.

در بیان معنای «تحلیل» آمده است: «موشکافی و بررسی یک پدیده

۱. درآمدی بر تحلیل پدیده‌های سیاسی، ص ۳۴.

۲. تحلیل سیاسی و دانش سیاسی، ص ۲۲.

سیاسی داریم. گاهی نیز برای کشف و روشن شدن مبهمات و پی بردن به عمق مسائل و پدیده‌ها، لازم است ابزار و عوامل دیگری به کار گرفته شود. در تحلیل سعی در بهره‌گیری از اجزاء پدیده و ارتباطات بین آنها است؛ ولی در تفسیر برای اثبات و درک عمیق‌تر یک جریان سیاسی، لازم است از وقایع و جریانهای سیاسی دیگری استفاده شود تا مطلب به شکل موردنظر و واقع‌بینانه ارائه شود.

«تفسیر» در لغت به معنای روشن کردن و کشف نمودن است؛ بنابراین تفسیر می‌تواند کمک برای تحلیل و مکمل آن باشد...<sup>۱</sup> بر این اساس می‌توان در تعریف تفسیر گفت: «تفسیر ابزار استنباط تصمیمات صحیح و مناسب است، با استفاده از یک سری اخبار مستند».<sup>۲</sup>

البته آنچه عمدتاً مورد نظر این «مقاله» است «شناخت و تحلیل سیاسی» است؛ یعنی، مبلغ به راحتی و با استفاده از روشهای علمی، به تجزیه و تحلیل پدیده‌های سیاسی بپردازد و برنامه، رفتار و گفتار تبلیغی خود را بر

اساس آن تنظیم کند.

بر این اساس، مبلغ دینی نه تنها باید دانش و اطلاعات کافی در رابطه با مسائل سیاسی داشته باشد و در این ساحت رفتار شبهات و عوام‌فریبها نشود؛ بلکه باید به دقت پدیده‌ها و جریانهای سیاسی را تحلیل کند و به ارتباط متقابل حوادث دست یابد و آنگاه ضمن ارزیابی درست، نتیجه مطلوب را اخذ نماید. می‌توان پنج سطح تحلیل را مشخص و براساس آنها روشی درست به دست آورد:

۱. اخبار و اطلاعات؛
۲. دانش کافی و فهم لازم؛
۳. تجزیه و تحلیل پدیده سیاسی؛
۴. کشف ارتباط تسلسلی و متقابل حوادث؛
۵. ارزیابی مسائل جهت دستیابی به نتیجه مطلوب.<sup>۳</sup>

#### ۱. اخبار و اطلاعات

هر تحلیل‌گر، بیش از هر چیز و

۱. شناخت و تحلیل سیاسی، ص ۱۱۸.

۲. متدلوژی تفسیر سیاسی، ص ۲۶.

۳. ر.ک: درآمدی بر تحلیل پدیده‌های سیاسی،

ص ۲۰۱.

نَادِمِينَ؟<sup>۲</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، جستجو کنید؛ مبادا به نادانی با گروهی برخورد کنید [و به آنها آسیب برسانید] و سپس از آنچه کرده‌اید، پشیمان شوید.»

و نیز قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾<sup>۳</sup>؛ «و چیزی را که بدان علم نداری پیروی نکن.»

#### ۲. دانش کافی و فهم لازم

یکی از بایسته‌های اساسی شناخت و تحلیل سیاسی، داشتن علم و دانش سیاسی و ژرف‌نگری در ابعاد مختلف موضوعات و پدیده‌های سیاسی است. در اینجا تحلیل‌گر سیاسی، هم دانش و علم لازم را برای بررسی و تحلیل مسائل دارا است و هم با دقت و تأمل، به تجزیه و ترکیب داده‌ها و اطلاعات خام می‌پردازد و مسئله یا مشکل را می‌فهمد و ابعاد مختلف آن را ارزیابی می‌کند. به عنوان مثال درباره‌ی معنا و مفهوم

پیش از هر عملی، نیازمند اطلاعات و آگاهی‌های لازم از موضوع مورد بررسی است که بدون آنها قطعاً تحلیل به دست آمده، ارزش واقعی ندارد. این اطلاعات از راه‌های گوناگون به دست می‌آید که هر کدام خود مقوله‌ای قابل بررسی است و ارزش‌گذاری خاص خود را دارد؛ زیرا به تمامی اطلاعات و منابع نمی‌توان ارزشی مساوی و یکسان داد.<sup>۱</sup>

امروزه منابع خبری، متنوع و گسترده است (روزنامه، کتاب، مجله، تلویزیون، رادیو، بولتنها و...); در عین حال بازار شایعات، دروغ‌پراکنی، اتهام، فریب‌کاری، خبرسازی، انتقال یک طرفه اخبار، و... نیز داغ است و بر این اساس بر مبلغان آگاه و بصیر، بایسته است که از کانالها و منابع مختلف خبری، اطلاعات کسب کنند و ضمن مطالعه مجلات، روزنامه‌ها و نشریه‌های مطمئن، به شایعات و خبرسازها توجهی نداشته باشند؛ چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا، إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ

۱. ر.ک: شناخت و تحلیل سیاسی، ص ۱۱۹.

۲. حجرات/۶.

۳. اسراء/۳۶.

است و به فهم و درک تحولات سیاسی کمک می‌کند و جلوی اشتباهات احتمالی را می‌گیرد.

### ۳. تجزیه و تحلیل

تحلیل‌گر سیاسی، پس از فهم و شناخت پدیده سیاسی و آشنایی با ابعاد و زوایای مختلف آن و به کار بستن اصول علمی و فرضیه‌های قابل طرح، به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد و آن را به دقت کالبدشکافی می‌کند. در اینجا تأکید بر شکستن مطلب به اجزای تشکیل دهنده آن و یافتن روابط بین اجزاء و نحوه سازمان یافتن آنهاست. پس وقتی به تجزیه و تحلیل موضوع و پدیده سیاسی می‌پردازیم، ابتدا پدیده سیاسی (مثل غوغاسالاری) را در نظر می‌گیریم و پس از فهم دقیق آن و توجه به ابعاد مختلف آن؛ آن را به اجزاء و واحدهای کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم. آن‌گاه اهداف، برنامه‌ها، و روابط غوغاسالاران را مورد توجه قرار می‌دهیم و علت رفتارهای آنان را در می‌یابیم.

«غوغا سالاری» به این می‌رسد که: «غوغاسالاران، غالباً در خلال بحرانها، تحولات و شکافها، حکومتی به طور موقت تشکیل می‌دهند و اداره امور جامعه به دست افرادی می‌افتد که نه تابع عقل و خرد؛ بلکه دستخوش احساسات هستند و در نهایت درجه تلقین‌پذیری قرار دارند...».

غوغاسالاری نوع فاسد دموکراسی است<sup>۱</sup> و حیات سیاسی غوغاسالاران در بلوا، بحران، عوام‌فریبی و اغتشاش است.

دانش کافی کمک می‌کند که مبلغان به خوبی حوادث و وقایع سیاسی و عوامل اصلی و پشت پرده تحولات سیاسی را بشناسند و علاوه بر اینکه خود در دام بحرانها و شبهات نیفتند، بتوانند پاسخ‌گوی سؤالات و شبهات مختلف مردم باشند.

در این باره علاوه بر مطالعه مباحث سیاسی و فراگیری رسمی علم سیاست، آشنایی با تاریخ، جغرافی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، حقوق و اقتصاد برای تحلیل و تبیین درست وقایع پرفایده

۱. ر.ک: فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۰۹؛

دانشنامه سیاسی، ص ۲۳۳.

بر این باید به ارتباط و پیوند مسئله سیاسی با مسائل اقتصادی، فرهنگی، نظامی، امنیتی و... پی برد و آنها را از نظر دور نداشت.

«پس هیچ پدیده‌ای به صورت جدا از سایر پدیده‌ها و بی تأثیر بر سایر پدیده‌ها و بدون تأثیر از آنها وجود ندارد. در واقع [باید] اصل تأثیر و تأثر متقابل پدیده‌ها بر یکدیگر را مورد توجه قرار داد... از طرفی هیچ پدیده سیاسی در جهان به طور ناگهانی به وجود نمی‌آید و به طور ناگهانی از میان نمی‌رود؛ بلکه مسیری را طی می‌نماید. لذا برای شناخت هر پدیده سیاسی لازم است به گذشته آن پدیده برگشت و سیر حوادثی را که به ایجاد آن منتهی شده است، شناسایی کرد.»<sup>۲</sup>

بر این اساس پژوهشگر مسائل سیاسی باید قادر باشد:

۱. موضوعات و جریان‌ها را به هم مرتبط کند؛
۲. سیر تحولات پدیده‌ها را دقیقاً تعقیب کند؛

۱. فن تحلیل سیاسی، ص ۸۵

۲. شناخت و تحلیل سیاسی، ص ۱۰۴.

پس در اینجا «رخداد یا پدیده سیاسی - اجتماعی، به عنوان یک مجموعه کلی تصور می‌شود که از اجزاء و واحدهای کوچک‌تری تشکیل یافته است. این اجزاء کوچک، حکم آجرهای ساختمان را دارند. آن‌گاه که بر روی هم سوار شوند، ساختمان به وجود می‌آید. ذهن با تفکر و دقت، پدیده را می‌شکند و اجزاء تشکیل دهنده آن را از هم تفکیک می‌نماید. در این مرحله اجزاء و عناصر از یکدیگر مجزا هستند. بنابراین بررسی و مطالعه بر روی آنها سهل است. سپس ذهن به کشف روابط و اتصالها بین اجزا و عناصر می‌پردازد و آنها را برای خود توصیف و تبیین می‌کند...»<sup>۱</sup>

#### ۴. کشف ارتباط تسلسلی و

#### متقابل حوادث

پس از تجزیه و تحلیل یک پدیده سیاسی و شناخت اجزاء و ارکان آن، باید به ارتباط و پیوند متقابل این اجزاء و عناصر پی برد و به چینی نو و دقیق از رفتار و برنامه بازیگران سیاسی و ابزار و اهداف آنها دست یازید. علاوه



یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، بیهوده و بی‌اثر است.

«جمع‌بندی، باید به گونه‌ای انجام شود که ضمن بیان خلاصه مراحل طی شده، نتیجه‌گیری لازم را دربرداشته باشد و تصویری همه‌جانبه از موضوع مورد بررسی نشان دهد؛ زیرا تحلیلهای یک‌جانبه و یک‌بعدی، معمولاً واقع‌بینانه نیست و نمی‌تواند پاسخ‌گوی سؤالات و ابهامات باشد. علاوه بر آن تحلیلهای یک‌جانبه نمی‌تواند به عنوان مقدمه خوب و راهنمای مناسب برای موضع‌گیریهای سیاسی، مورد استفاده قرار گیرد.»<sup>۱</sup>

اگر تحلیل‌گر مسائل سیاسی، به دقت همه‌جوانب قضیه را بسنجد و بتواند تحلیلی واقع‌بینانه از پدیده‌ها و حوادث سیاسی ارائه دهد؛ می‌تواند جلوی شایعات، شبهات و انحرافات را بگیرد و از کیان عقیدتی و سیاسی نظام دینی، پاسداری نماید. البته باید بداند که تحلیل سیاسی نادرست و غیرواقعی و پیش‌بینیهای غلط، به شخصیت مبلغ لطمه می‌زند.

۱. همان، ص ۱۲۱.

۳. آثار و تبعات هر یک از پدیده‌های سیاسی را بشناسد.

در مثال موردنظر ما، «غوغاسالاری» جریانی است که با سایر موضوعات و پدیده‌ها (انتخابات، جلب آرای مردم، فرار از قانون و...) ارتباط دارد و در این مسیر، غوغاسالاران حیات خود را در تنش و التهاب جستجو می‌کنند و پیامدهای سوئی بر جامعه دارند و فضای سیاسی را چندقطبی کرده، به منافع ملی و دینی بی‌توجه می‌شوند!! در ضمن روابط پیچیده و پرابهامی با سایر نهادهای سیاسی دارند و از شیوه‌ها و روشهای گوناگونی برای کسب قدرت استفاده می‌کنند.

### ۵. ارزیابی و جمع‌بندی

پس از جمع‌آوری اطلاعات، دقت و تأمل در پدیده سیاسی مورد مطالعه، تجزیه و تحلیل عناصر و اجزاء آن، کشف ارتباطها و پیوندها با سایر مسائل و پدیده‌ها، نوبت به نتیجه‌گیری و ارائه تحلیل دقیق و علمی از موضوع می‌رسد. در واقع هدف از طی مراحل قبل، رسیدن به این مرحله بوده است و کلیه اقدامات انجام شده، بدون ارائه

- پرسشها و پاسخها)، حمیدرضا شاکرین
۲. ولایت فقیه (مجموعه پرسشها و پاسخها)، حمیدرضا شاکرین
۳. فلسفه سیاست، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام
۴. مبانی حکومت اسلامی، حسین جوان آراسته
۵. پرسشها و پاسخ، محمد تقی مصباح یزدی
۶. فرهنگ واژه‌ها، عبدالرسول بیات و دیگران
۷. جمهوری اسلامی (مجموعه پرسشها و پاسخها)، حمیدرضا شاکرین
۸. ولایت فقیه، محمدهادی معرفت
۹. شناخت و تحلیل سیاسی، جواد منصوری
۱۰. بررسی ماهیت قدرت و سیاست خارجی آمریکا و...، علی اکبر ولایتی
۱۱. در آمدی بر نظام سیاسی اسلام، محمدجواد نوروزی.

اگر پاسخهای او با علم و آگاهی، دقت و ژرف‌نگری، کیاست و دوراندیشی و نکته‌سنجی نباشد، ممکن است اشتباه از آب درآمده و مشکلات دیگری را فراروی وی ایجاد کند!!

البته برای تحلیل درست و منطقی پدیده‌ها و اخبار سیاسی، شیوه‌ها و اسلوبهای مشخصی وجود دارد که از آنها به عنوان دستگاه تحلیل نام برده می‌شود (مانند دستگاه قرائن، قیاسی، استقراء، تمثیل، ضرورت، ایماء، مفهوم موافقت و...). همچنین رویکردها و چارچوبهای علمی دیگری به عنوان ابزار تحلیل (مانند تحلیل سیستمی، رویکرد کارکردگرایی - ساختاری، فرهنگ سیاسی، دگرگونی و نوسازی و...) وجود دارد که برای ارائه نتیجه منطقی و درست، استفاده از یکی از آنها بسیار کارگشا است.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، مطالعه در زمینه اصطلاحات و مسائل سیاسی و آشنایی با وجوه مختلف دانش سیاسی است. اینک چند منبع مفید برای مطالعه و دریافت پاسخ پاره‌ای از سؤالات معرفی می‌شود:

۱. حکومت دینی (مجموعه

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: تحلیل سیاسی، ص ۳۲ به بعد؛ متدلوژی تفسیر سیاسی، ص ۸۲ به بعد.